



بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقیة الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز و آقایان محترم. یکی از جلسات مطلوب و شیرین ما در برهه‌های معین، دیدار با شما آقایان خبرگان است. تأثیری که در محیط اجتماعی خودتان دارید، تأثیری که این جلسه‌ی باسرافت و باعزت در مجموعه‌ی نظام دارد، همه نقاط مهمی است، و امیدواریم که آنچه فکر کرده‌اید، آنچه اندیشیده‌اید و گفته‌اید و خواسته‌اید و برای آن اقدام کرده‌اید، ان شاء الله مشمول لطف الهی و مدد الهی بشود و ان شاء الله به نتیجه برسد.

از فرمایشات جناب آقای جنتی و جناب آقای شاهرودی خیلی متشکریم، بیانات مفیدی را بیان کردند و در جریان فضای این جلسه در ایام اجلاس قرار گرفتیم؛ البته من قبلاً یک گزارشی هم در این زمینه دیده بودم. مسائل مهمی را آقایان بیان کردند که واقعاً قابل توجه است. از مرحوم آقای حاج شیخ علی اصغر معصومی (رحمة الله علیه) یاد کنیم؛ ایشان از دوستان قدیمی ما بود و چند دوره عضو مجلس خبرگان بودند. این دوره‌ی اخیر [هم] خود ایشان نخواستند که وارد بشوند، مریض و از کار افتاده [شده بودند]، و همین چند روز قبل به رحمت الهی رفتند، ( ۲ ) و امیدواریم ان شاء الله مشمول رحمت و لطف الهی باشند.

مناسبت محرم را آقایان - جناب آقای جنتی و جناب آقای شاهرودی - اشاره فرمودند؛ بسیار مناسبت مهمی است. محرم ماه امام حسین است، ماه حسینی است، ماه همه‌ی آن ارزشهایی است که در وجود سیدالشهدا (سلام الله علیه) متجلی و متبلور است؛ ماه شهادت، ماه جهاد، ماه اخلاص، ماه وفا، ماه گذشت، ماه اهتمام به حفظ دین، دین خدا و ایستادگی در مقابل قدرتهای معارض دین. وجود مبارک سیدالشهدا و قضایای عاشورا و محرم و مانند اینها، مظهر این چیزها است. و واقعاً این اعتقاد، درست است که اسلام را قیام سیدالشهدا حفظ کرده؛ همچنان که در طول زمان، در قرنهای متوالی، این حادثه روزبه‌روز زنده‌تر شده. امروز این مراسم از صد سال پیش که تدین مردم به حسب ظاهر، معارضینی مثل معارضین امروز هم نداشت، خیلی گرم‌تر، گیراتر، پُرشورتر و گسترده‌تر دارد انجام میگیرد؛ همه‌ی اینها معنا دارد، همه‌ی اینها نشان‌دهنده‌ی یک حقایقی و یک جریان است که به رهبری حسین بن علی (سلام الله علیه) دارد در دنیا پیش میرود؛ و ان شاء الله پیش خواهد رفت و کارگشا خواهد بود و گره‌های ملت‌ها را باز خواهد کرد.

من سه مطلب را می‌خواهم عرض کنم؛ یک مطلب راجع به این مجلس محترم [یعنی] مجلس خبرگان است؛ یک مطلب هم یک حرف تقریباً مکرر گفته شده‌ی در مورد مسائل کشور است؛ یک مطلب هم در باب نگاه به اوضاع منطقه و جهان و نسبتش با ما و با جمهوری اسلامی.

در قضیه‌ی اول، این مجلس حقیقتاً یک مجلس استثنائی و بی‌نظیری است از لحاظ ترکیب، از لحاظ وظایف، از لحاظ کارکرد در این سالهای گذشته تا امروز؛ و به نظر بنده میتوان به این مجلس امید بست برای یک کار مهم دیگر در کنار این کارهایی که تاکنون انجام داده است و میدهد، و آن عبارت است از نگاه کلان و راهبردی به انقلاب و مسیر انقلاب. ما این را در دستگاه‌هایمان نداریم؛ دستگاهی برای این کار نداریم. البته جزو وظایف رهبری است و تا حد ممکن - حالا با نقصهایی که وجود دارد در این حقیر - تلاش شده که این کار انجام بگیرد، لکن دستگاهی برای این کار نداریم. قوای سه‌گانه مأمور اداره‌ی کشورند و کشور را باید اداره کنند؛ هر کدام در یک بخشی و به یک نحوی.



البته اداره‌ی انقلابی باید بکنند، شکی نیست، اما نگاهشان به‌طور طبیعی به همین راهی است که دارند میروند، به همین مسیری که دارند میروند؛ و نگاه کلان و راهبردی به مجموعه‌ی انقلاب در طول این ۳۹ سال گذشته و در طول ده‌ها سال آینده قاعدتاً نیست؛ یک مرکزی لازم است که این نگاه را داشته باشد.

حالا [این] یعنی چه؟ یک قدری بیشتر توضیح بدهم؛ یعنی در این مجموعه‌ی مجلس خبرگان میتوان یک هیئت اندیشه‌ورزی را تصوّر کرد - چون بحمدالله اشخاص صاحب اندیشه، صاحب فکر در این مجموعه‌ی هفتاد هشتاد نفری کم نیستند - که وظیفه‌ی این هیئت اندیشه‌ورز این باشد که یک نگاه کلانی بکند به مسیر انقلاب از اوّل تا امروز. خب، این انقلاب یک اهدافی داشته است، یک حرکتی شروع شده است به سمت اهداف؛ نگاه کنند تا ببینیم که به این اهداف چقدر نزدیک شده‌ایم، به کدامش نزدیک شده‌ایم، در مورد کدام هدف توقف داشته‌ایم، در مورد کدام هدف پسرفت داشته‌ایم - [چون] مواردی هم ممکن است این‌جوری باشد که فرض کنیم در اوایل انقلاب نسبت به این هدف، تحرک و پیشرفتی وجود داشته، بعد نه‌اینکه توقف، بلکه پسرفت حاصل شده - اینها را بشناسیم. و اگر چنانچه در مواردی یک چنین چیزهایی را مشاهده کردیم، این مجلس مطالبات خودش را بر اساس آن تنظیم کند. صحبت از مطالبات شد که در بیانات آقایان و نطقهای آقایان [در اجلاس] هم بوده، آقایان هم که حالا اینجا افاده فرمودند و اشاره کردند، بنده هم قبلاً عرض کرده‌ام که مجلس خبرگان بایستی مطالباتی داشته باشد از دستگاه‌های مختلف؛ این مطالبات میتواند بر اساس این مطالعه تنظیم بشود. حالاً ما مثال بزنیم مواردی که وجود دارد.

فرض کنید یکی از عناوین مهم این انقلاب، انقلاب «نه شرقی، نه غربی» بود؛ امروز شرق وجود ندارد، [ولی] غرب وجود دارد با کمال قوت و قدرت. «نه غربی» یعنی چه؟ یعنی ما مجذوب غرب نباشیم، تحت تأثیر غرب نباشیم، پذیرای فرهنگ غربی نباشیم، پالوده‌سازی (۳) کنیم کشور را و فرهنگ را از آمیختگی با فرهنگ منحنّ غرب؛ در زمینه‌ی سیاسی تحت تأثیر غرب نباشیم، ملحق به غرب نباشیم، مطیع و مُتقاد (۴) نسبت به غرب نباشیم. «نه غربی» یعنی این؛ [البته] معنای «نه شرقی» هم همین است، لکن امروز دیگر [بلوک] شرقی نیست. غرب، کجا است؟ آمریکا است، اروپا است؛ [خب] دولتهای اروپایی یک فرهنگی دارند، یک سیاستی دارند، یک نقشه‌ی راه طولانی و کلانی دارند؛ و ما به‌عنوان جمهوری اسلامی وظیفه داریم خودمان را از اینکه بیفتیم در مسیر مورد خواست غرب نجات بدهیم؛ این یک وظیفه است. آیا این وظیفه را تا حالا انجام داده‌ایم یا نه؟ چقدر انجام داده‌ایم؟ کجاها انجام داده‌ایم؟ اگر در مواردی انجام نگرفته است، مشکل کجا است؟ بر اساس شناخت آن مشکل، مطالبه برای این مجلس به وجود می‌آید. این مطالبه ممکن است از این حقیر باشد، ممکن است از دولت باشد، ممکن است از قوه‌ی قضائیه باشد، ممکن است از سپاه باشد، ممکن است از مجلس [باشد]؛ یک مطالبه‌ای بر این اساس به وجود می‌آید. این یک مثال است.

یا مثلاً فرض بفرمایید در زمینه‌ی اقتصادی. خب یکی از ارکان اقتدار کشور، اقتدار اقتصادی است و در اقتدار اقتصادی، یکی از عناصر تشکیل‌دهنده‌ی عمده عبارت است از قدرت پول ملی؛ یعنی پول ملی بایستی قدرت خرید داشته باشد و برای شهروندان، برای دارندگان آن پول، ثروت ایجاد بکند. اگر چنانچه ما بر اساس سیاستهای اجرائی غلط، تصمیم‌گیری‌های نادرست، بی‌مبالاتی‌های گوناگون، به وضعی رسیدیم که پول ملی همین‌طور روزبه‌روز تنزل کرد و پایین رفت، این عقب‌رفت است، این پسرفت است. باید این را مشخص کنیم و بر اساس این، مطالبه تنظیم کنیم، مطالبه تعریف کنیم. این مطالبه میتواند مثلاً از دولت باشد، میتواند از مجلس باشد؛ و هلمّ جزّا. (۵)

یا یکی از چیزهایی که از اوّل در انقلاب مطرح بوده است، مسئله‌ی عدالت است. عدالت یعنی کم کردن فاصله‌ی بین فقیر و غنی در کشور و مبارزه‌ی با فقر در کشور و تقسیم درست ثروت در کشور. این غیر از تفکرات مارکسیستی است؛ این غیر از تساوی و برابری‌ای است که سوسیالیست‌ها یا کمونیست‌ها بیان میکنند؛ این نظر اسلام است؛ منابع



اسلامی و مدارک اسلامی همه تأیید و تأکید میکند بر این معنا. نه اینکه ما دست بگذاریم روی ثروت ثروتمندان و بخواهیم این ثروت را از اینها بگیریم؛ نه، بلکه بایستی کشور را جوری اداره بکنیم که فاصله‌ی بین فقیر و غنی کم شود. خب، این مسئله‌ی بسیار مهمی است و امروز در دنیا هم مطرح است؛ این «ضریب جینی» که در دنیا مطرح است و امروز جزو معیارها و شاخصهای اقتصادی است، همین است؛ در واقع، به یک معنا فاصله‌ی بین فقیر و غنی است. ما باید نگاه کنیم ببینیم در این زمینه -از نظر اسلام- چقدر پیش رفته‌ایم، چقدر حرکت کرده‌ایم؛ چرا این جور شده. (۵) محاسبه کنیم اینها را.

یا فرض بفرمایید حفظ و حراست از انگیزه‌های انقلابی. شرط دوام حیات جمهوری اسلامی وجود انگیزه‌های انقلابی و وجود روحیه‌ی انقلابی است. اگر روحیه‌ی انقلابی نباشد، جمهوری اسلامی نخواهد بود؛ بله، یک حکومتی سر کار خواهد بود، اما آن حکومت، دیگر جمهوری اسلامی نیست. این حرکت مردم، این خونهایی که دادند، این زحماتی که کشیدند برای احیاء اسلام، برای احیاء شریعت اسلامی، برای این بوده؛ اینها از بین خواهد رفت، لگدمال خواهد شد. بنابراین، انگیزه‌ی انقلابی برای حفظ جمهوری اسلامی حتماً لازم است. این انگیزه در چه وضعی است؛ آیا کم شده، آیا زیاد شده، آیا ادامه پیدا کرده، چه مقابله‌ها و مبارزه‌هایی با این انگیزه انجام میگیرد، راه مقابله‌ی با آنها چیست؛ و بر اساس آن، مطالبه تنظیم کنیم. فرض بفرمایید بنده که در صحبت‌های مختلف مدام میگویم که به بچه‌های انقلابی و حزب‌اللهی کمک کنید، معنایش همین است؛ یعنی این یک مطالبه است بر اساس نگاه به حرکت انقلابی کشور. البته در این زمینه خوشبختانه کشور عقب که نرفته هیچ، پیش هم رفته؛ این هم قابل اثبات و مسلم است.

یا فرض بفرمایید مسئله‌ی تدبیر مردم؛ خب ما میخواهیم مردم متدبیر بشوند. این حرف گاهی تکرار شده که «ما مردم را نمیخواهیم بزور به بهشت ببریم»؛ خب این به نظر ما یک تعبیر صحیحی نیست، تعبیر مغالطه‌آمیزی است. هیچ کس بزور کسی را به بهشت نمیخواهد ببرد اما بایستی ما راه بهشت را به روی مردم باز کنیم، مردم را تشویق کنیم. اصلاً پیغمبران برای این آمدند؛ آمدند که مردم را به بهشت ببرند، نگذارند مردم به جهنم بروند؛ اصلاً تمام ارسال رسل و انزال کتب و این همه زحمت و مجاهدت برای این بوده که نگذارند مردم دچار جهنم بشوند. این وظیفه‌ی ما است، باید این کار را انجام بدهیم، مردم باید متدبیر بشوند؛ در این شکی نیست. البته از طریق درست و به شکل درست. این هم که حالا کسی بگوید «در اسلام در این زمینه زور وجود ندارد» حرف درستی نیست؛ [پس] این حدود شرعی‌ه چیست؟ این «فاجِلِدُوا... مائة جِلْدَة» (۶) یا «فاجِلِدُوهُمْ ثمانینَ جِلْدَة» (۷) پس چیست؟ اینها همان زور است.

پس بنابراین اینها مطالعات راهبردی است؛ یعنی وقتی هیئت اندیشه‌ورز شما نشست و یک نگاهی کرد به مسیر انقلاب، به این مجموعه در طول این ۳۹ سال، هر یک از این موارد -و ده مورد دیگر یا پانزده مورد مهم دیگر را که میشود شمرد- در نظر گرفت و دید که ما در این قسمت مثلاً پیشرفت داشتیم، خب این پیشرفت مایه‌ی تشویق است؛ یک کارهایی باید کرد که این پیشرفت را ادامه بدهیم و حفظ بشود، چون مسلماً این پیشرفت معارضین و مخالفینی دارد؛ یا یک جاهایی متوقف ماندیم، یک جاهایی عقب‌رفت داشتیم؛ ببینیم در مقابل اینها بایستی چه کار کرد. این، مطالبه ایجاد میکند؛ یعنی مطالباتی که لازم است، خیلی فراتر از مطالبات جزئی و اجرائی است که مثلاً فلان استان یا فلان شهر چه مشکلی دارد. آنها هم البته مشکلات است و نمیخواهیم آنها را نفی کنیم، منتها شأن مجلس خبرگان شأن رسیدگی به آن جور مسائل است. این به نظر من یکی از کارهای اساسی و مهمی است که این مجلس میتواند انجام بدهد.

آن مطلب دوم که عرض کردم راجع به مسئله‌ی مشکلات کشور است، و حرف مکررگفته‌شده و بارهاگفته‌شده را میخواهیم باز یک بار دیگر بیان کنیم، خلاصه‌اش این است که میخواهیم بگوییم مسئولین کشور بدانند و آحاد مردم



بدانند که حل مشکلات کشور جز به دست خود آحاد این کشور عملی نیست و شدنی نیست؛ چه مشکلات اقتصادی، چه مشکلات فرهنگی؛ همه نوع مشکلات را خود این ملت هستند که [میتوانند حل کنند].

من یک جمله‌ای را نسبت به آن بحث قبلی عرض بکنم که نسبت به این قضیه هم آن جمله صادق است و آن این است که وقتی شما در مورد یک عنوانی از این عناوین مهم اساسی انقلاب به یک نتیجه‌ای رسیدید، این را باید تبدیل بکنید به گفتمان؛ [مثلاً] در نشریه منتشر بکنید. شما جمعیت زیادی هستید؛ عده‌ی کثیری از آقایان، ائمه‌ی جمعه هستند یا شخصیت‌های برجسته‌ی استانها هستند یا در مرکز هستند، دارای منبر هستند، میتوانند با مردم حرف بزنند و مخاطب قرار بدهند مردم را؛ تکرار بکنید، بگویید، تا گفتمان بشود. گفتمان یعنی آن فکر رایج بین مردم، مطالبه‌ی عمومی مردم. وقتی یک چیزی مطالبه‌ی عمومی شد و گفتمان شد، به‌طور طبیعی به عمل نزدیک خواهد شد. این قضیه هم همین‌طور [است]؛ این مسئله‌ی پرداختن به دستهای داخلی برای حل مشکلات کشور باید جزو واضحات و بیّنات فکری مردم بشود. باید این قدر این گفته بشود، استدلال بشود، تبیین بشود، تکرار بشود که به‌صورت یک گفتمان قطعی دربیاید.

ما جوانهای پُرانگیزه‌ای داریم، افراد متخصصی داریم، تولیدکنندگان خوبی داریم، کارآفرینان خوبی داریم، کارگران خوب و کشاورزان خوبی داریم، معلمان خوبی داریم، استادان خوبی داریم. کارها به دست افرادی از این قبیل بایستی اصلاح بشود؛ اینها هستند که بایستی مشکلات کشور را برطرف بکنند؛ مشکل اقتصادی را هم اینها باید برطرف کنند و مشکلات گوناگون کاری را. از بیگانه‌ها کاری برنمی‌آید.

من نمیگویم با دنیا قطع رابطه کنید، این اصلاً نظر بنده نیست. از اول انقلاب، بنده جزو آن آدمهایی بودم که اصرار داشتم بر ارتباط -ارتباط با اطراف دنیا- الان هم همان عقیده را دارم، لکن بحث من این است که ما پای قدرتمند و طبیعی خودمان را با عصای بیگانه عوض نکنیم. اینکه به‌جای اینکه روی پای خودمان بایستیم و به پای خودمان تکیه کنیم، به عصای بیگانه تکیه کنیم، خطا است. [البته مذاکره] در ارتباطات جهانی عیبی ندارد؛ اشکالی که من نسبت به مذاکرات هسته‌ای داشتم و دارم و مکرر با خود مسئولین در جلسات خصوصی در خلوت و جلوت مطرح کردم، همین است: من میگویم اشکالی نداشت ما مذاکره کنیم، مذاکره اشکالی نداشت منتها در این مذاکره بایستی دقت و مراقبت لازم انجام میگرفت تا این جور نباشد که طرف مقابل، هر غلطی خواست بکند، نقض برجام محسوب نشود [اما] ما اگر یک مختصر تکانی بخوریم، نقض برجام محسوب بشود! این خطا است، این نباید اتفاق می‌افتاد؛ این به‌خاطر عدم اتکاء و اعتنای به قدرت داخلی به وجود می‌آید، [به‌خاطر] اتکاء به طرف مقابل و عنصر خارجی، این حالت به وجود می‌آید.

این را عرض میکنیم که به بیگانه نباید چشم دوخت، با دنیا باید کار بکنیم، حرفی نداریم، کار کردن با دنیا قهراً الزاماتی دارد، آن الزامات را هم قبول میکنیم و به دوش میگیریم، منتها تکیه‌ی به خارج نمیکنیم؛ چون دشمن ما در بیرون محیط جامعه و کشور ما زیاد است، یک جبهه‌ی دشمن در مقابل ما است. خب الحمدالله تا امروز ما به این جبهه ضربه زده‌ایم، [آن را] شکست داده‌ایم، عقب رانده‌ایم، بعد از این هم همین خواهد بود، لکن بدانیم که در مقابل ما یک نقطه‌ی دشمنی نیست، یک جبهه‌ی وسیع دشمنی است.

و اما مسئله‌ی وضع جهان و منطقه که دنبال همین کلمه‌ی اخیری است که عرض کردم. من باید به‌طور خلاصه عرض بکنم ما بحمدالله در مسائل جهانی در حال پیشرفتیم. نه فقط عقب‌رفت نداریم بلکه توقف هم نداریم، در حال پیشرفتیم. جمهوری اسلامی ایران بعکس آنچه بعضی می‌خواهند وانمود کنند که «آبروی ما در دنیا رفت، ما در دنیا کوچک شدیم»، نخیر، جمهوری اسلامی به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی، به عزت الهی، عزیز است، و تا امروز



روزبه روز عزیزتر شده و اقتدارش بیشتر شده؛ همین است که دشمنان را هم عصبانی میکند.

www.leader.ir

شما شنیدید نطق ابلهانه‌ی این رئیس‌جمهور آمریکا (۸) را در سازمان ملل -لابد مستقیم یا غیر مستقیم این حرفها را شنیده‌اید- از ادبیات بسیار زشت و سخیفی استفاده کرد؛ ادبیات گانگستری، ادبیات کابویی و تهدیدهای بی‌معنی و غلط و تحلیل‌های صددرد غلطتر؛ یک نطق پُر از خلاف، پُر از دروغ! شاید بیست دروغ واضح در این سخنرانی وجود داشت؛ یک صحبت آشفته، که نشان‌دهنده‌ی این است که هم عصبانی‌اند، هم درمانده‌اند، هم از لحاظ فکری دچار مشکل و عقب‌ماندگی هستند، دچار سبک‌مغزی‌اند. یعنی هر سه چیز را این نطق نشان داد؛ هم عصبانیت را نشان داد، هم درماندگی را نشان داد -که نمیدانند باید چه کار بکنند در مقابل این واقعیت که وجود دارد- هم سبک‌مغزی را نشان داد. حرفهایی که زده شد، افتخارآمیز نبود برای یک ملتی مثل ملت آمریکا. به نظر بنده نخبگان آمریکایی باید احساس شرم کنند -و میکنند- از داشتن یک چنین رئیس‌جمهوری و گفتن یک چنین حرفهایی. حالا من کاری ندارم به اینکه او چه گفته و چه جواری گفته؛ آنچه من می‌خواهم بگویم این است که چرا عصبانی‌اند. بحث پیشرفت ما است دیگر؛ این مسئله‌ی عصبانیت مسئله‌ی مهمی است. در این سخنرانی بیش از همه چیز، آنچه واضح بود، عصبانیت بود. چرا عصبانی‌اند؟

عصبانیت به‌خاطر این است که آمریکا یک نقشه‌ای برای این منطقه‌ی غرب آسیا که خودشان به آن می‌گویند خاورمیانه، داشته‌اند از پانزده شانزده سال قبل -شاید هم قبل‌تر-؛ ممکن است نقشه مال قبل بوده، بروز و ظهورش از حدود پانزده شانزده سال قبل است -که بر اساس آن یک مدتی اسم «خاورمیانه‌ی جدید» را آوردند، یک مدتی اسم «خاورمیانه‌ی بزرگ» را آوردند؛ یک نقشه‌ای برای اینجا داشتند. محور اصلی این نقشه و قلب این نقشه عبارت بود از سوریه، لبنان، عراق؛ این سه کشور، سه محور و سه مرکزی بودند که این نقشه باید عمدتاً آنجا پیاده بشود؛ چه جواری پیاده بشود؟ دولتهایی در این سه کشور بر سر کار بیایند که تسلیم مطلق و نوکر آمریکا باشند، هرچه آمریکا می‌خواهد اطاعت کنند و برای او عمل بکنند. نتیجه چه خواهد شد؟ نتیجه این است که تمام این منطقه میشود پانزده رژیم صهیونیستی و در این منطقه همان از نیل تا فراتی که آنها گفته بودند به یک شکلی تأمین خواهد شد، ولو نه به شکل سیاست ظاهری، به شکل سلطه و نفوذ و تسلط معنوی و واقعی. این را می‌خواستند انجام بدهند. اینها می‌خواستند کاری بکنند که عراق، [این] کشور تاریخی با عظمت، با این همه افتخارات، تحت تسلط صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها قرار بگیرد؛ سوریه مرکز به این مهمی، کانون مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی، در واقع در اختیار رژیم صهیونیستی قرار بگیرد؛ لبنان هم که تکلیفش معلوم است. اینها این را می‌خواستند و این کار را می‌خواستند انجام بدهند.

حالا شما نگاه کنید به واقعیت، ببینید واقعیت با آنچه اینها می‌خواستند چقدر فاصله دارد! لبنان را نگاه کنید، نتوانستند هیچ غلطی بکنند؛ عراق را ملاحظه کنید، درست عکس آنچه آنها خواستند انجام گرفت؛ سوریه را ملاحظه کنید! البته در سوریه آمریکا و متحدینش جنایتهای زیادی کردند، دست اینها تا مرفق (۹) به خون مردم سوریه آلوده است؛ در این شکی نیست؛ داعش را راه انداختند، همین تکفیری‌ها -جبهة‌التحریر و امثال اینها- را راه انداختند و مردم را به یک معنا قتل‌عام کردند، این کار را کردند لکن نتوانستند پیش ببرند. امروز شما نگاه کنید مسئله‌ی داعش، موضوع داعش در واقع دارد به پایان میرسد، تکفیری‌ها به‌طور کامل منزوی هستند، وضعی که آنها می‌خواستند از بین برود تا به جای آن یک وضع دیگری به وجود بیاورند، استقرار بیشتری پیدا کرده، و درست نقطه‌ی مقابل آنچه آمریکا می‌خواستسته تحقق پیدا کرده. وقتی آمریکایی‌ها نگاه میکنند، ایران را در این زمینه موثر و مقصّر میدانند لذا عصبانی‌اند. خوب به قول مرحوم آقای بهشتی «عصبانی باش و از این عصبانیت بمیر!» خوب حالا عصبانی باشند. مسئله این است، دعوا این است. اشتباه نباید کرد که کسی خیال کند که حالا مثلاً فرض کنید یک قدرت چنین‌وچنان در مقابل ایران قرار گرفته؛ نخیر، آن عکس‌العملی که آنها دارند نشان میدهند، نشانه‌ی ضعف است،



نشانه‌ی عقب‌ماندگی آنها است، و نشانه‌ی عصبانیت ناشی از شکست خوردگی آنها است. بینی‌شان به خاک مالیده شده؛ لذا عصبانی‌اند، این حرفها را میزنند، این نطقهای سخیف را میکنند و این کارها را انجام میدهند.

بنابراین آنچه من میخواهم عرض بکنم، این است که در امر کیفیت حضور جمهوری اسلامی در دنیای امروز، بحمدالله جمهوری اسلامی موفقیت داشته، «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ؛ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (۱۰) الحمدالله جمهوری اسلامی مؤمن، مشمول این آیه‌ی شریفه شده و این عزت را دارد؛ خدا را شکر میکنیم؛ این را باید نگه داریم. با عقل، با تدبیر، با فکر درست، با نقشه‌ی درست، با اشتباه نکردن در نوع مراودات، نوع تصمیم‌گیری‌ها، نوع حرف زدن‌ها، باید این عزت را حفظ کنیم و ان‌شاءالله بیشتر کنیم.

و این عزت به خاطر مجاهدت به وجود آمده. آنکه عرض کردم که انگیزه‌ی مجاهدت، امروز بهتر از گذشته است، یک نمونه‌اش همین است. حالا شما شهید عزیز محسن حُججی (۱۱) را ملاحظه کنید، خب این یک نمونه است، از قبیل محسن حُججی، ما جوان کم نداریم. این نمونه را خدای متعال به دلایلی برجسته کرد و نشان داد تا در مقابل چشم همه قرار بگیرد و همه ببینند و تسلیم این حقیقت شریف و عزیز بشوند که این انگیزه‌ی انقلابی روزبه‌روز در جوانها به فضل الهی و به توفیق الهی دارد افزایش پیدا میکند. کسانی نامه مینویسند به ما و التماس میکنند، واقعاً التماس میکنند که اجازه بدهید [برویم] -حالا آنها که دستشان میرسد که یک تلفنی اینجا بکنند و نامه‌ای بنویسند؛ و چند برابر آنها لابد کسانی که این امکان را هم ندارند- التماس میکنند ما را بفرستید آنجا که مثلاً برویم مبارزه بکنیم با دشمن، مجاهدت کنیم با دشمن؛ این همان انگیزه‌های جوانهای ما است. و این معجزه است، به خاطر عواملی که در مقابل این وجود دارد؛ یکی همین فضای مجازی که جناب آقای جنتی فرمودند، که البته فرمایش ایشان و هشدار ایشان درست است، ما هم دنبال قضیه به‌طور جدی هستیم، لکن با وجود این فضای مجازی، با وجود این توطئه‌ها، با وجود این وسوسه‌ها، شما می‌بینید که این جور جوانهایی را و این جور انگیزه‌هایی را جمهوری اسلامی به خودش مشاهده میکند؛ این لطف الهی است.

امیدواریم خدای متعال این لطف را برای این کشور، برای این ملت، مستمر و مستدام بدارد، و کسانی که این وضعیت را برای کشور به وجود آوردند، امام بزرگوار را، شهدای عزیز را و مجاهدان راه حق را مشمول لطف و رحمت خودش کند.

والسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ

(۱) در ابتدای این دیدار -که در پایان سومین اجلاسِ هی پنجمین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری برگزار شد- آیت‌الله احمد جنتی (رئیس مجلس خبرگان رهبری) و آیت‌الله سید محمود هاشمی‌شاهرودی (نایب‌رئیس مجلس خبرگان رهبری) گزارشی ارائه کردند.

(۲) آیت‌الله علی‌اصغر معصومی (نماینده‌ی چهار دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری و مسئول نهاد نمایندگی ولی‌فقیه در دانشگاه آزاد اسلامی خراسان رضوی) در تاریخ ۲۷/۶/۹۶ در مشهد مقدس از دنیا رفت.

(۳) خالص‌سازی

(۴) فرمان‌بردار

(۵) به‌همین ترتیب، به‌همین نحو

(۶) سوره‌ی نور، بخشی از آیه‌ی ۲: «... صد تازیانه بزنیید...»

(۷) سوره‌ی نور، بخشی از آیه‌ی ۴: «... هشتاد تازیانه به آنان بزنیید...»



- ۱۰) سوره‌ی منافقون، بخشی از آیه‌ی ۸؛ «... عزّت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است...»
- ۱۱) شهید محسن حُجّجی از نیروهای مدافع حرم بود که در مرداد ماه ۱۳۹۶ در منطقه‌ای مرزی بین سوریه و عراق توسط نیروهای داعش به اسارت درآمد و پس از دو روز به دست آنها به شهادت رسید.